

می‌کند

تبلیغات، تناسبی میان پالتوشتری و فیلم‌های دیگر نیست و شرایط نابرابری میان فیلم‌های اکران‌شده از این لحاظ وجود دارد. یعنی چند فیلمی که پخش‌کننده مشخصی دارد سینماها و سانس‌های متعدد را قبضه کرده‌اند و این ادعایی است که به لحاظ آماری و رجوع به سایت سینما تیکت مقابل چشم همه است. این مسئله از این بابت حائز اهمیت است که مهمترین عامل اصلی در دیده شدن یک فیلم، تعداد سانس‌های موثر و سینماهای آن است. اما خوشبختانه با همه این حرف‌ها آمار تماشاگران سیر صعودی دارد و نشان می‌دهد فیلم‌دراثر تبلیغات شفاهی و توصیه مردم به هم در حال شناخته شدن و استقبال بیشتر است.

باز خوردها تا امروز چگونه بوده است آیا طبق انتظار شما بود؟

مخاطبانی که با فیلم درگیر شده و ارتباط برقرار کرده‌اند به تفاوت این فیلم با فیلم‌های دیگر پی برده‌اند و این نشان می‌دهد که فیلم جایگاه خودش را یافته است. با این حال هنوز برای قضاوت کردن زود است و باید زمان بیشتری بگذرد تا بتوان ارزیابی درست‌تری داشت چرا که «پالتوشتری» از آن دسته فیلم‌هایی است که آرام آرام جای خود را در میان مخاطبان باز می‌کند. نکته جالب آن، استقبال از این فیلم در سینماهای پایین شهر و شهرستان‌ها بوده است.

با چه مسائل و مشکلاتی در جریان فیلمبرداری و ساخت این فیلم که تجربه اول شما در سینما هم بود مواجه شدید؟

تقریباً به غیر از کم بودن بودجه فیلم که دست و پای مرا برای رسیدن به میزانشن‌های مورد علاقه‌ام تا حدودی بسته بود، هیچ مشکل دیگری نداشتم. همه تیم به واسطه احترام و اعتمادی که به تهیه‌کننده فیلم (مجید شیخ انصاری) داشتند، از انسجام خوبی برخوردار بودند و کارها طبق برنامه‌ریزی تولید در جوی صمیمی و دوستانه جلو رفت و به ثمر رسید.

کار با بازیگرها چگونه بود؟

تیم بازیگری پالتوشتری فوق‌العاده باهوش و کاربلد بودند. از سام درخشانی و بانپال شومون گرفته تا بهاره کیان افشار، لیندا کیانی، شاهرخ فروتنیان و افسانه چهره‌آزاد و حتی نقش‌های فرعی‌تر که در همان سکانس‌های کوتاه خود خوب درخشیدند. چیزی که من متوجه شدم این بود که اغلب بازیگران ما به واسطه تجربه زیاد و هوش سرشار از توانایی بالایی برخوردارند فقط باید به خوبی نقش را برای آنها تحلیل کرد. اگر تحلیل نقش با دقت و روشنی صورت بگیرد آن‌ها به خوبی جزئیات ظریفی از کاراکتر را زنده می‌کنند. چند روز پیش که بعد از سال‌ها دوباره فیلم را با تماشاگرها دیدم از جزئیات ریزی که همه بازیگرها با بیان و بدن خود بروز داده‌اند شگفت‌زده شدم.

برای فیلم پالتوشتری چه اندازه دست بازیگران را باز گذاشتید و به عبارت دیگر چقدر از پیشنهادهای بازیگران برای ارائه نقش‌های شان استقبال کردید؟

ما از تحلیل نقش شروع می‌کردیم و بعد بازیگرها وقتی در نقش، خود را تجسم می‌کردند چیزهایی جدید از زوایای کاراکتر کشف می‌کردند. مانند لباسی که وقتی آن را می‌پوشی جزئیات خاصی کشف می‌شود. آنها یافته‌ها یا پیشنهادهای خود را به من منتقل می‌کردند و بعد در حرکتی تعاملی به نقطه مشترک می‌رسیدیم.

با توجه به اولین تجربه‌ای که با فیلم پالتوشتری داشته‌اید برای فیلم‌های بعدی باز هم به سراغ چنین سوژه‌هایی که متفاوت از دیگر آثار سینماست خواهید رفت و دست به یک تجربه جدیدتر خواهید زد؟

هر پروژه فیلم‌سازی مختصات خود را دارد. باید ببینیم چه پیش می‌آید.

و سوال آخر؛ دنیای فیلمنامه‌نویسی و نوشتن در خلوت برای شما لذت‌بخش تر است یا دنیای کارگردانی و ساخت فیلم؟

هر دو حرفه ویژگی‌های خوب خود را دارند. بعد از مدتی نوشتن سعی می‌کنم یک کار تولیدی انجام دهم تا کمی از فضای ذهنی صرف بیرون آمده و میدانی عمل کنم.



این فیلم به دلایل مختلف حدود چهار سال از اکران بازماند. در حال حاضر آیا شرایط اکران این اثر بعد از حدود ۴ سال راضی‌کننده است؟

خود فیلم که هنوز زنده است. چون موضوع آن جهان‌شمول و روان‌شناختی است. توهم چیزی است که تا بشر بوده گرفتارش بوده است و به خاطر همین این فیلم با اینکه دو سه سال تأخیر دارد، هنوز با تماشاگران ارتباط فعال برقرار می‌کند. اما شرایط اکران فیلم پالتوشتری برای من عجیب است به خاطر این که به لحاظ تعداد سانس‌ها و تعداد سینماهای اختصاص یافته و حجم

فیلم‌های سینمایی و به ویژه فیلم‌های کمدی بسیار دچار سانسور می‌شوند. چه بخشی از این فیلم کمدی دچار سانسور شد و به نظر شما چقدر به فیلم آسیب وارد کرد؟

فیلم «پالتوشتری» هیچ‌گونه سانسوری نداشت. البته اصل داستان به ویژه رفتارهای خصومت‌آمیز دو شخصیت، ظرفیت‌هایی دارد که سر به صحنه‌های غیرقابل نمایش می‌گذارد اما اسم این را نمی‌توان سانسور گذاشت. هنر جایی در مرز کنایه و تصریح شکل می‌گیرد. نه آن قدر رازآلود که کسی نفهمد و نه آنقدر صریح که لذتی برای کشف نگذارد.